

"مشیت خدا"

آیا ما نقشی در زندگی و سرنوشت و هدایت یا گمراهی خود داریم، یا هرچه هست به دست خداست!؟

عده‌ای که اصلاً به خدائی معتقد نیستند و انسان را همه کاره می‌دانند! از معتقدان به خدا؛ کسانی اراده و عمل انسان را عامل تعیین سرنوشت می‌دانند و کسانی هم با استناد به آیاتی از قرآن می‌گویند خدا همه کارها را به خودش نسبت داده و ما هیچ کاره هستیم!

مسئله جبر و اختیارداستانی دراز دارد و فیلسوفان بزرگی را در فرصت تاریخ به خود مشغول داشته است. اما مسئله ما فعلاً بررسی این موضوع در قرآن است. آیا واقعا این کتاب از ما سلب اختیار کرده و سررشته همه امور را به خدا سپرده است، یا ما هم در این سپهر سهمی داریم؟

هرکسی قرآن را ورقی هم زده باشد، حتماً به آیاتی برخورد کرده که ظاهراً نظریه "جبر" را تأیید کرده باشد. شما اگر به فرهنگ لغات قرآن مراجعه یا از طریق اینترنت تحقیق کنید، می‌بینید از ۲۳۶ موردی که مشتقات "مشیت" (خواستار و اراده) در قرآن تکرار شده، اکثریت مطلق آن‌ها بیانگر سیطره مشیت خدا بر همه چیز و همه کس است. به نمونه‌هایی از آنها در زمینه‌های مختلف اشاره می‌کنیم که بعضاً برای هر کدام ده‌ها آیه آمده است:

هدایت و ضلالت (راهنمایی و گمراهی)

آیات بسیار زیادی از قرآن، صریحاً هدایت و ضلالت را به خدا نسبت داده است. مثل:

(اعراف ۱۵۵) هرکس را بخواهی گمراه و هرکس را بخواهی هدایت می‌کنی

(تُضِلُّ بِهَا مَنْ تَشَاءُ وَتَهْدِي مَنْ تَشَاءُ)

آمرزش یا عذاب

(آل عمران ۱۲۹) هرکس را خواهد می‌بخشد و هرکس را خواهد عذاب می‌کند!

(يَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ)

نفع و ضرر (سود و زیان)

(اعراف ۱۸۸) بگو من اختیار هیچ نفع و ضرری را برای خودم ندارم، جز آنچه خدا بخواهد.

(قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ).

رزق (تنگی و گشادگی روزی)

(رعد ۲۶) خداست که روزی را برای هرکه خواهد بسط می‌دهد و بر هرکه خواهد تنگ می‌گیرد.

(اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ).

احراز قدرت و عزل از آن

(آل عمران ۲۶) بگو بارخدا، توئی که به هرکه خواهی پادشاهی می‌دهی و از هرکه خواهی می‌ستانی.

(قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ).

عزت و ذلت

(آل عمران ۲۶) و به هر که خواهی عزت می‌دهی و هر که را خواهی خوار می‌کنی، همه خوبی‌ها دست توست و...

(وَعَزُّوا مَنْ تَشَاءُ وَنَزَّلُوا مَنْ تَشَاءُ بِإِذْنِ رَبِّكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ).

ایمان و کفر

(یونس ۹۹) اگر پروردگارت می‌خواست همه اهل زمین ایمان می‌آوردند؛ آیا تو می‌خواهی مردم را وادار به ایمان کنی؟

(وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مِنَ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّىٰ يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ).

از این موارد بسیار است که برای احتراز از طولانی شدن مطلب، فقط به بعضی از موضوعات اشاره می‌کنیم که کسب آن به "مشیت" خدا سپرده شده است. مثل: امنیت، حکمت، رحمت، نصرت، شفاعت، رسالت، فضیلت، ترفیع درجه، توبه و...

با شواهد فوق به نظر می‌رسد، حق را باید به طرفداران جبر داد! اما کمی باید صبر کنید؛ طرفداران "اختیار" هم دلایل فراوانی از قرآن برای اثبات استنباط خود دارند که باید به استنادات آنها هم توجه کرد. اما آیا در قرآن چنین تناقضات فاحشی وجود دارد که هر کس می‌تواند برای خواسته خود دستاویزی پیدا کند، یا آن که مشکل جای دیگری است؟!

قبل از این که به مستندات طرفداران "اختیار" و آزادی انتخاب برسیم، باید تأمل کوتاهی در معنای لغوی کلمه "مشیت" بکنیم. آیا اصلاً معنای مشیت "خواستن" است؟ یا این برگردان فارسی، بیان‌کننده بارمعنائی آن نیست؟ این مشکل اختصاص به قرآن ندارد، ترجمه هر متنی به زبان دیگر، بخشی از معنای آنرا، که در زمان و مکان و فرهنگ ویژه‌ای پدید آمده، از دست می‌دهد.

ما در زبان فارسی واژه‌ای که بتواند معادل دقیق کلمه مشیت باشد نداریم و ناچاریم به معادل متعارف "خواستن" اکتفا کنیم. اما چون خواسته‌های ما، قاعده و قانون مشخصی ندارد و کاملاً "دلخواهی" و تابع تمایلاتمان است، وقتی این کلمه را درباره خدا هم به کار می‌بریم، همان مفهوم را احساس می‌کنیم و خدا را هم مثل انسان‌ها متأثر از حالات بیرونی تصور می‌کنیم که حساب شخصی روی اشخاص باز می‌کند و به اراده خود، مستقل از عمل ما، کسانی را بالا می‌برد یا پائین می‌آورد!

مدرسه و معلم، یا دانشگاه و استاد، مثال‌های خوبی هستند. درست است که نمره به دست معلم است و مدرسه کارنامه‌ها را تنظیم و لیست قبول یا رد شدگان را اعلام می‌کند، اما بدیهی است که همه این کارها مطابق نظامات و ضوابط از پیش تعیین شده‌ای انجام می‌شود. "مشیت مدرسه" همان مقررات آن است. هر چند در کارهای بشری گاهی پارتی بازی و رشوه هم کارساز می‌گردد!

اگر به کاربرد کلمه مشیت در کل قرآن نگاه کنیم، زمینه آن را در: وزش باد و نزول باران، آفرینش، جنسیت جنین در رحم و امثال آن‌ها می‌بینیم که همگی دلالت بر نظامات دقیقی می‌کند که بر جهان حاکم است. نگاه کنید:

مانده ۱۷- آنچه خواهد می‌آفریند و او بر هر کاری تواناست (يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ).

روم ۴۸- خداست که بادها را می‌فرستد که ابر را زیر و رو کند و در پهنه آسمان به کیفیتی که "بخواهد" می‌گسترند، آنگاه متراکم می‌سازد و تو قطرات باران را می‌بینی که از خلال ابر تراوش می‌کند. چون به هر گروه از بندگانش که "بخواهد"، فرو بارد، شادمان شوند.

اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ فَتَنِيْرُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ وَيَجْعَلُهُ كَيْسًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ فَإِذَا أَصَابَ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ

شورا ۴۹ و ۵۰ - هر چه "خواهد" می‌آفریند، به هر که "خواهد" دختر می‌بخشد و به هر که "خواهد"، پسر. یا آنها را دو قلوی دختر و پسر می‌گرداند و هر که را "خواهد" نازا می‌کند، که او دانا و تواناست.

لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ ۚ يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنَاءً وَيَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذُّكُورَ أَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَإِنَاءً وَيَجْعَلُ مَنْ يَشَاءُ عَقِيمًا ۚ إِنَّهُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ

ما چه کاره هستیم!؟

در مقابل آیات فوق، آیاتی نیز وجود دارند که گوئی میدانی از "مشیت" را به دلیل موهبت "اختیار" به انسان سپرده است. در این موارد به جای "ولو شاء الله" که اشاره به مشیت الهی است، جمله "فمن شاء" (هرکس بخواهد) را به کار برده که میدان عمل ما را نشان می دهد:

مزم ۱۹ - إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا

انسان ۲۹ - إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا

(این آیات تذکری است، پس هرکه خواهد، راهی به سوی پروردگارش در پی گیرد)

عبس ۱۲ و مدثر ۵۵ - كَلَّا إِنَّهُ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ ذَكَرَهُ (چنین نیست؛ اینها تذکر است. پس هرکه خواهد، از آن پند گیرد).

نبا ۳۹ - ذَلِكَ الْيَوْمُ الْحَقُّ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ مَآبًا

(چنان روزی حتمی است، پس هرکه خواهد، راهی به سوی پروردگارش در پیش گیرد)

کهف ۲۹ - وَقُلِ الْحَقُّ مِن رَّبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ

(بگو حق از جانب پروردگار شماست، پس هرکه خواهد مؤمن و هرکه خواهد کافر شود)

تکویر ۲۸ - إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَن يَسْتَوْفِيَهُ

(قرآن جز یادآوری برای جهانیان نیست، پس هرکه از شما بخواهد، راه راست را در پیش گیرد)

مدثر ۳۷ - إِنَّهَا لِحَدِيثِ الْكُبَرِ نَذِيرًا لِّلْبَشَرِ لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَن يَتَّقَ أَوْ يَتَّخِرَ

قرآن یکی از بزرگترین هاست، هشداردهنده‌ای برای بشر. برای هرکه از شما که بخواهد پیشی گیرد، یا باز ایستد.

محدوده مانور ما در مشیت الهی

از میدانی که به ما سپرده شده، نباید چندان مغرور شویم. درست است که برخوردار از موهبت اختیار هستیم و با آزادی می‌توانیم انتخاب کنیم، اما میدان مانور و اختیارات ما محدود به استعداد ماست و زمان و مکانی که زندگی می‌کنیم و هوش و حواسی که داریم! شما اگر در مناطق سردسیر زندگی کنید و بخواهید میوه‌های مناطق گرمسیری عمل بیاورید، نمی‌توانید. اگر در روستائی زندگی کنید که فاقد مدرسه است، نمی‌توانید با سواد شوید. در این مثال‌ها البته شما می‌توانید با تغییر مکان، شرایط خود را عوض کنید، اما هزاران جبر طبیعی مثل نیاز ما به آب و هوا و نور و غذا و... وجود دارد که میدان عمل ما را محدود می‌سازد. هدایت و آگاهی نیز، به توفیق الهی و "مشیت" او موکول است. نگاه کنید:

مزم ۳۰، انسان ۳۰ و تکویر ۲۹ - وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ....
(ونخواهند خواست مگر خدای پروردگار عالم خواسته باشد)

مدثر ۵۵ - وَمَا يَكُونُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ هُوَ أَهْلُ التَّقْوَىٰ وَأَهْلُ الْمَعْرِفَةِ

(و پند نمی‌گیرند مگر به خواست خدا...)